

داستان خسرو و شیرین نظامی و ادبیات ترك

در سال ۱۹۶۵ شرقشناس آلمانی Borboro Felinmg در کتابخانه دولتی مارگبورک نسخه خطی از ترجمه منظوم داستان «خسرو و شیرین» نظامی بدست آورد که این اثر قدیمترین ترجمه این منظومه است که در نیمه دوم قرن XIV، بوسیله فخرالدین یعقوب ابن محمد، متخلص به فخری از شعرای دوران فرمانروائی آیدین اوغلوها از زبان شیوای فارسی بزبان ترکی آنادولو ترجمه شده است. این ترجمه محصول سال ۱۳۶۷ میلادی است و میتوان گفت که اولین ترجمه داستان منظوم و دل انگیز «خسرو شیرین» استاد بیهمتای گنجه است که بزبان ترکی شده است. شاعر خودش در باره این ترجمه چنین میگوید:

گوجوم يتديگجه اولدوم ترجمانی نظامی نین که شاد اولسون روانی

اثر شاد روان نظامی را تا آنجا که زورم رسید ترجمه نمودم

تا سال ۱۹۶۵ در باره این ترجمه هیچگونه معلوماتی در دست نبود و قبل از بدست آمدن این نسخه منحصر بفرد بوسیله دانشمند شرقشناس آلمانی حتی دانشمندان و نظامی شناسان خود ترکیه نیز از وجود چنین اثر ذیقیمتی بی اطلاع بودند، بطوریکه در هیچیک از مأخذها و اسناد تاریخی وادی و تذکره و جنگ‌های ترك بموجودیت يك چنین منظومه‌ای اشاره نشده است. فاروق تیمورتاش هم که یکی از نظامی شناسان برجسته و بنام معاصر ترك میباشد، در تدقیقات خود در اینخصوص چیزی نگفته و ننوشته است. از اینرو میتوان چنین نتیجه‌گیری قطعی نمود که متأسفانه ترجمه فخری در وطنش غریب

بوده، در دسترس کسی قرار نگرفته است. از اینرو نیز در مراحل بعدی رشد ادبیات ترک هیچگونه تأثیری نداشته و در گوشه فراموشی و انزوا افتاده و کسی از آن خبر نداشته است. تخمیناً پنجاه سال بعد از فخرالدین یعقوب بن محمد یکی دیگر از شعرای زبردست ترک مبادرت به ترجمه منظومداستان «خسرو و شیرین» نظامی نمود. این شخص یوسف سنان /۱۴۲۲- نام داشت که در عین حال چشم‌پزشک مشهوری بود، وی با تخلص شیخی مؤلف دو مثنوی* مشهور میباشد که یکی از اینها ترجمه «خسرو و شیرین» نظامی گنجوی است. شیخی در ترجمه‌های خود یادی از فخری نمیکند و میتوان اظهار نظر قطعی کرد که از وجود یک چنین سلفی اطلاع هم نداشته است. بهمین مناسبت میتوان ادعا نمود که شیخی در ترجمه داستانهای نظامی و نشر موضوع‌های استاد گنجه قافله سالار شعرای ترک میباشد.

از تدقیقاتی که بعمل آمده مترجمین یا مقلدین داستانهای نظامی گنجوی از شعرای ترک بالغ بر ۲۳ نفر میباشند که همه‌شان بعد از شیخی و در پیروی و تقلید از وی بترجمه یا نظیره‌نویسی با آثار نظامی پرداخته و بنام‌های مختلف از قبیل «خسرو و شیرین»، «فرهاد و شیرین»، «فرهادنامه» یا «پرویز و شیرین» و از این قبیل اسامی منظومه‌هایی بزبان ترکی بوجود آورده و بگنجینه علم و ادب ملت ترک اهداء نموده‌اند. لیکن ما در این مقاله درباره این مؤلفین و آثارشان فقط با اختصار بدترتیب مطالبی بیان نموده، توجه اساسی خودمان را به ترجمه شیخی مبذول میداریم، درباره ارزش ادبی این ترجمه و تطبیق او با اثر نظامی و تحلیل علمی نتیجه‌گیریهائی خواهیم نمود.

*

شیخی در نیمه اول قرن XV در شهر کوه‌تاهیه قدم بعرضه وجود گذاشته^۲ و تحصیلات خود را نیز در همانجا فرا گرفته لیکن در آغاز جوانی وطن مألوف خود را ترک و بولایات شمالی ایران سفر نموده مدتی در طبرستان و گرگان مستقر گردیده، به تکمیل تحصیلات

*- مثنوی دیگر شیخی بنام «خرنامه» است و یک اثر ساتیریک میباشد.

۲- شیخی، دیوان، استانبول ۱۹۴۲ صفحه VII.

و مطالعات خود پرداخته است ، وی در همین ایام حضور سید شریف گرگانی دانشمند شهیر آن زمان را درك نموده است . هم در اینجا است که نامبرده با علوم طب و نجوم و ریاضی نیز آشنا گردیده، رفته رفته مانند يك چشم پزشك ماهر شناخته شده است و در این رشته بعدها اسم و رسم و شهرت بسزائی بدست آورده است.^۳

شاعر پس از سیاحت صفحات شمالی ایران و تکمیل تحصیلات و تجربیات خود بموطن اصلی خود بازگشته و علاوه بر مرحله شعر و ادب بشغل پزشکی نیز پرداخته است. با مشاهیر و بزرگان عصر خود رشته دوستی و مودت برقرار کرده است. شیخی از محضر معاصر بزرگوارش حاج بایرام مستفیض شده با سید عمادالدین نسیمی ملاقاتها کرده ، با احمد داعی مؤلف «اسکندرنامه» خیلی نزدیک بوده است .

شیخی بمناسبت معالجه بیماری چشم محمد چلبی یکی از بیک‌های معروف گرمیان مورد توجه زعمای وقت گردیده، از جانب یعقوب بیک و مصطفی بیک چلبی مورد عطوفت و نوازش قرار گرفته است. شاعر در مدح همین بیک‌های گرمیان قصائدی نیز سروده است که همه آنها موجب محبوبیت بیشتر وی گردیده ، بتدریج صیت شهرت و آوازه هنر و حکمتش در اقطار کشور منتشر گردیده تا اینکه در دربار سلطان مراد دوم برای وی جا باز کرده است .

از این هنگام ببعد شیخی امکانات بیشتری بدست آورده و با تألیف آثار منظوم خود نامش با مشاهیر عصر خود از قبیل احمد داعی و غیره در يك ردیف برده شده است. شیخی با وجود اینکه غزلسرای توانائی بوده لیکن او بمثنوی بیشتر علاقه نشان میداده ، بعقیده وی تنها در اثر مثنوی شاعر میتواند منویات خود را بطور دلخواه و کامل بنظم کشیده، مطالب و احساسات درونی خود را آنطور که شایسته و بایسته است بمنصه ظهور رساند.^۴ بهمین ملاحظه شیخی اصولاً، همت خود را بنظم مثنوی برگمارده «خسرو و

۳- ترك ادیب و شاعر لری، جلد ۱، آک مراد اوراز، استانبول ۱۹۳۹ ، صفحه ۱۱۴ .

۴- شیخی. خسرو و شیرین، نشر ورشو، ۱۹۶۳ صفحه ۲۴ / ۵۸۰/ .

و شیرین» نظامی را در همان بحر هزج به ترکی آنادولو ترجمه نموده است .
 بعقیده فردوسی رومی / فردوسی طویل / شیخی ترجمه داستان « خسرو و شیرین »
 را بنام مصطفی بیک چلبی آغاز نموده ولی هنوز ترجمه بیابان نرسیده مصطفی بیک وفات
 کرده، شاعر ناچار اثر را بسططاننمراد دوم اتحاف نموده است^۵. لیکن خود شیخی در این
 باره چیزی نگفته و در سرتاسر اثر از مصطفی بیک یادی نکرده، فقط از سلطان مراد
 دوم نام برده است. شاید هم فکر بعضی از محققین ترك مبنی بر اینکه شیخی ترجمه را
 بمناسبت تاجگذاری سلطاننمراد دوم آغاز نموده است صحیح باشد. چنانکه لطیفی
 قسطنطونی نیز در تذکره خود در این باره مینویسد: « شیخ الشعراء مولانا شیخی... مرادخان
 غازی دورونده گلیمیش وسید نسیمی ئیله بورسادا جمع اولموشدور... زبان ترك ده قصه
 « خسرو و شیرینی » اوندان شیرین دئمیش یوخدور... اول زمان که، مزبور شیخی کتاب
 مذکوری تکمیل وتدوین ائدوب، عتبه سلطاننمراد خان ایلندی^۶ .

چیزی که مسلم است شیخی در بین سالهای ۱۴۲۱-۱۴۲۹ بر جمعه منظوم این داستان
 پرداخته و در این دوران در کوتاهی و در آدرنه در دربار سلطاننمراد دوم بوده است .
 فوت نابهنگام شاعر با تمام ترجمه امکان نداده، بعد از وی خواهرزاده اش جمال یا جمالی
 اگر چه بیابان دادن این اثر ناتمام همت گماشته، لیکن از عهده این کار بر نیامده است .
 زیرا ناهم برده فقط بنظم کشیدن يك ذیلی مبنی بر تأسف از وفات شیخی ومدح سلطاننمراد
 دوم اکتفاء نموده و دنباله منظومه ی ناتمام را نگرفته است و بدین ترتیب این ادعای کاتب
 چلبی که : « ترجمه ناتمام خسرو و شیرین را جمالی خواهرزاده شیخی بیابان رسانده
 است » ومدعای سایر همفکران وی رد میگردد . قسمتهائی که از طرف شیخی ترجمه
 نشده بود همانطور هم مانده است و ما در هنگامیکه درباره شیخی به بحث مفصل خواهیم
 پرداخت در این باره نیز مبسوطاً سخن خواهیم گفت .

۵- فوآد کوپرولو، فردوسی، ا. آ. صفحه ۶۴۹ .

۶- لطیفی. تذکره، استانبول، ۱۳۱۴ هجری قمری، صفحه ۲۱۵ .

بعد از شیخی بسیاری از گویندگان و سرایندگان ترك به تبعیت از شیخی به ترجمه یا تقلید آثار نظامی پرداخته حتی بعضی از آنان «خمسه» ترتیب داده‌اند. از آنجمله از معاصرین شیخی و از شعرای دربار سلطان بایزید دوم احمد رضوان «خمسه» نابغه گنججه را بزبان ترکی ترجمه کرده است.^۷ ترجمه «خسرو و شیرین» احمد رضوان فعلا در برلین کتابخانه گوتا نگهداری میشود.^۸

یکی دیگر از معاصرین سلطان بایزید دوم محمد معیدی است که بدهکده فالخان دین ناحیه اسکوب منسوب است و با تبعیت از شیخی پیرو مکتب ادبی نظامی گردیده «خمسه» ترتیب داده، از آنجمله داستان «خسرو و شیرین» وی را ترجمه نموده است، لیکن این ترجمه عجالاً در دست نیست فقط درباره این اثر به معلوماتی در «اسلام آنسکلو پدیسی»^۹ و «آثار گیب»^{۱۰} و «کشف الظنون»^{۱۱} بر میخوریم.

مولانا صدیقی نیز از شعرای معاصر با سلطان بایزید دوم است که تحت تأثیر مستقیم مکتب ادبی نظامی گنججوی چند مثنوی برشته نظم کشیده از آنجمله «خسرو و شیرین» را بزبان ترکی سروده است.^{۱۲} هم چنین شاعر حیاتی از پیروان مکتب ادبی استاد گنججه بوده دارای مثنویهای «مخزن الاسرار»، «بهرام گور»، «اسکندرنامه» و «خسرو و شیرین» میباشد^{۱۳} که این کلیات در حال حاضر در کتابخانه شخصی دانشمند معاصر ترك آگاه سری لوند موجود میباشد.^{۱۴}

۷- سهی، تذکره هشت بهشت، صفحه ۳۶.

۸- Persch (Berlin, tr), ns, 336-378. Persch (Berlin, tr), ns, 162-173

۹- «اسلام آنسکلوپدیسی»، جزو ۳۵، استانبول ۱۹۴۷، صفحه ۵۶۵.

۱۰- گیب، جلد III، صفحه ۱۶۰.

۱۱- کشف الظنون، صفحه ۷۰۴.

۱۲- سهی، تذکره هشت بهشت، صفحه ۸۸.

۱۳- آگاه سری لوند، حیاتی نین اسکندرنامه سی، ۱۹۵۲، صفحه ۱۱-۱۳.

۱۴- فاروق تیمورتاش، ترك ادبیاتیندا «خسرو و شیرین» و «فرهاد و شیرین» حکایه سی،

آنکارا ۱۹۵۹، صفحه ۷۳.

دیگری از شعرای ترک که از پیروان مکتب ادبی نظامی گنجوی است شاهزاده کورکود پسر سلطان بایزید دوم میباشد. وی یکی از شاهزادگان ترک میباشد که در دوران خود تعلیم و تربیت کامل دیده، علم و هنر آموخته، خطاط و موسیقی شناس ماهری شده و در عین حال شاعر زبردست و توانائی بوده است که با تخلص حرامی شعر میسروده. او بزبان عربی نیز شعر میگفته و در هر دو زبان طبع آزمائی نموده و در غزل سرائی مشهور بوده است. حرامی چندین اثر علمی بزبان عربی تألیف نموده هم چنین در زبان ترکی مؤلف داستان منظوم «فرهاد و شیرین»^{۱۵} میباشد که این اثر را تحت تأثیر مستقیم «خسرو و شیرین» نظامی برشته نظم در آورده است.

دیگری از شعرای قرن XV ترکیه آهی است که از معاصرین سلطان سلیم اول میباشد نام اصلی وی بن لی حسن است و آهی را بعداً بنام تخلص اختیار نموده است. او تحصیلات خود را در شهر استانبول آغاز کرده و از دوران تحصیلی نیز شعر میسروده است. کم کم کارش در ساحه شعر و ادب اوج گرفته، آثاری چند تألیف و ترجمه نموده است، یکی از محصول طبع وفاد وی نظیره ایست که بترجمه «خسرو و شیرین» شیخی نوشته و نامش را «حکایت شیرین و پرویز»، روایت گلگون و شب دیز» گذاشته است.^{۱۶} بنا بر روایت کهنه الاخبار، محمود چلبی از سران طریقت نقشبندی نوشتن چنین منظومه ها را که محتوی سرگذشت گبران و آتش پرستان است تکفیر و شاعر را تهدید نموده، در نتیجه آهی اثر خود را پایان نرسانده است.^{۱۷} کلیات دیوان شاعر از بین نرفته، اکنون در یکی از کتابخانه های استانبول نگهداری میگردد.^{۱۸} لیکن تاکنون نه دیوان و نه منظومه «خسرو

۱۵- محمد طاهر بورسالی. «عثمانلی مؤلف لری»، II - جلد، استانبول صفحه ۳۸۲؛ اسلام آنسیکلو پدیسی» ۳۵- جزو استانبول ۱۹۴۷، صفحه ۵۶۵.

۱۶- محمد طاهر بورسالی در کتاب عثمانلی مؤلف لری این نام را سر لوحه دو اثر منظوم گمان کرده است؛ «اسلام آنسیکلو پدیسی» نام این داستان را تنها «شیرین و پرویز» ذکر کرده است.

۱۷- کهنه الاخبار، صفحه ۲۴۱.

۱۸- استانبول اونیورسیتیه سی، ك، ت، پ، جلد ۷، ۱۹۴۲، صفحه ۷۵-۹۸.

و شیرین» آهی چاپ و نشر نگردیده است. فقط چند بیتی از «خسرو و شیرین» وی در اثر «حسن ودل»^{۱۹} شاعر ضبط گردیده است.^{۲۰}

در ادبیات ترك سه شاعر با تخلص جلیلی^{۲۱} شناخته شده است اما بعضی از تذکره نویسان ناآگاهانه شخصیت، ترجمه حال، فعالیت ادبی این سه تن را درهم آمیخته بعضاً نیز این سه تن را یکتن پنداشته اند. لیکن ما باستناد بمعلومات دقیق و متیقن منابع معتبر از قبیل «اسلام آنسکلویدیسی»^{۲۲} و آثار و مأخذهای دیگر اینها را سه تن شناخته، درباره هر سه نفر این شخصیت‌های علمی و تاریخی مختصراً مطالبی ذکر میکنیم:

I - ایزنیک لی جلیلی که از نویسندگان نیمه دوم قرن XV میلادی و در اواخر همین سده با ترجمه «خمسه» نظامی شهرت بسزائی بدست آورده است. ترجمه‌های وی از بهترین آثار منظوم ترکی قرن XV است که هنوز هم از شهرت و اهمیت آن کاسته نگردیده و مانند يك اثر برجسته بدیعی شناخته میشود.

در تذکره لطیفی درباره ایزنیک لی جلیلی چنین مینویسد: «... وی شیفته علم و معرفت و آلوده فضل و کمال گردیده، بکارهای تحریر و تألیف پرداخته است... «پنج گنج» گوهرسنج استاد گنججه را بزبان ترکی نظیره سروده است»^{۲۳}.

جلیلی علاوه بر ترجمه «خمسه» آثار اصیل و ارزینالی نیز از خود بیادگار گذارده است، از آن جمله دیوانی مکمل از غزلیات و قصائد و غیره دارد که دانشمند مشهور ترك محمد فواد کوپرولو در کتاب خود موسوم به «آنادولودا ترك دیلی و ادبیاتین تکاملونه

۱۹- «حسن ودل» را در اول فتاحی نیشابوری بنظم کشیده است. آهی نیز در پیروی از او اثری بهمین نام بنظم در آورده است که فاروق تیمورتاش نام اثر را بفظ «حسن و دلبر» قید کرده است.

۲۰- لطیفی. تذکره، استانبول ۱۳۱۴ هجری قمری، صفحه ۹۸.

۲۱- جلیلی را در بعضی تذکره‌ها خلیلی نیز ضبط کرده اند.

۲۲- «اسلام آنسکلویدیسی»، جزو ۲۱، استانبول ۱۹۵۵، صفحه ۶۶.

۲۳- لطیفی. تذکره، استانبول ۱۳۱۴ هجری قمری صفحه ۱۱۹.

عمومی بیرباخیش» باین دیوان اشاره نموده است.^{۲۴}

II - بورسالی جلیلی که بعضی ها او را حمیدزاده یا حامدزاده نیز نوشته اند از شعرای اواخر قرن XV و آغاز قرن XVI بوده ، از معاصرین سلطان بایزید میباشد . چون از طرف پدر ایرانی بوده لذا بلقب جلیلی عجم مشهوری گردیده است. او تحصیلات مقدماتی خود را در بورسا آغاز کرده سپس برای ادامه تحصیل باستانبول آمده و از جوانی مجذوب علم و ادب گردیده بامکاتب و انجمن های علمی و ادبی این شهر ارتباط حاصل کرده، در جرگه هواداران پا برجای شاعر معاصر خود آهی قرار گرفته ، اشعاری نغز بزبان فارسی و ترکی برشته نظم کشیده است . او نیز مانند پاره از شعرای ذواللسانین دارای دو تخلص بوده، اشعار فارسی خود را با تخلص حامدی و اشعار ترکی را با تخلص جلیلی سروده است .

جلیلی بورسالی علاوه بر دیوان قصائد و غزلیات مؤلف مثنویهای «لیلی و مجنون»، «یوسف و زلیخا»، «خسرو و شیرین»، «گل و گلزار» و «گل صد برگ بهار» یا «بهارنامه» میباشد که این کلیات هم اکنون در کتابخانه ملی پاریس نگهداری میشود. علاوه بر اینها بروایتی شاعر «شاهنامه» فردوسی را نیز بزبان ترکی ترجمه نموده است.^{۲۵} ولی سرنوشت این ترجمه عجالاً نامعلوم است .

III - جلیلی آدرنه‌لی شغل اصلی وی پینه‌دوزی بوده ولی با شعر و ادب نیز سر و کاری داشته، اشعار آبداری ساخته است چنانکه در تذکره لطیفی در حق وی مینویسد: «حرفه اش پینه‌دوز، اشعارش پرسوز بوده و از شعرای دوران سلطان سلیم دوم میباشد».^{۲۶} «اسلام آنسکلوپدییسی» نیز مندرجات تذکره لطیفی را تأیید نموده و شخصیت تاریخی و ادبی جلیلی آدرنه‌لی را تصدیق و تشبیت مینماید.^{۲۷} لیکن نه دو تذکره لطیفی و

۲۴- محمد فوآد کوپرولو «آنادولودا ترک دیلی و ادبیاتین تکاملونه عمومی بیرباخیش»، استانبول ۱۹۳۸، صفحه ۳۸۹ .

۲۵- عاشق جلیلی. تذکره، صفحه ۸۱، عثمانلی مؤلفاری، جلد II، صفحه ۱۲۵ .

۲۶- لطیفی. تذکره، استانبول ۱۳۱۴ هجری قمری، صفحه ۱۱۹ .

۲۷- «اسلام آنسکلوپدییسی»، جزو ۲۱، استانبول ۱۹۵۵، صفحه ۶۶ .

نه در «اسلام آنسکلوپدییسی» و دیگر منابع موجود دربارهٔ اثر یا آثار او تلویحاً چیزی ضبط نگردیده است و بدرستی معلوم نیست که این جلیلی سوم دارای کدام اثر یا آثار منظوم یا منثوری بوده است. معلوم هم نیست که از آثار نظامی چیزی ترجمه کرده یا نکرده است.

یکی دیگر از شعرای پیرو مکتب ادبی نظامی در ترکیه محمود لامعی است. او فرزند عثمان عالی چلبی زادهٔ نقاش است که دارای قریحه و استعداد فطری و ذوق سرشاری بوده و از پیروان طریقت نقشبندی می باشد. لامعی یکی از مشهورترین گویندگان قرن XV ترکیه می باشد که شهرت بسزائی کسب نموده است. از جمله آثار بسیار وی «فرهادنامه» او است که این داستان منظوم دلنشین را شاعر بلاواسطه تحت تأثیر مستقیم مکتب ادبی استاد بیهمتای گنجه بنظم درآورده است.

لامعی با آثار جاویدان عبدالرحمن جامی نیز توجه خاصی مبذول داشته، پارهٔ از آثار منظوم وی را بزبان ترکی ترجمه کرده و بهمین سبب نیز جامی روم لقب یافته است. لامعی مؤلف و مترجم بیش از سی جلد اثر منظوم و منثور می باشد^{۲۸} که مثنویهای «وامق و عذرا»، «ویس و رامین»، «شمع و پروانه» و «فرهادنامه» از آن جمله می باشند.

لامعی مثنوی «فرهادنامه» خود را بلاواسطه تحت تأثیر «خسرو و شیرین» نظامی بنظم کشیده، بساطان سلیم اتحاف کرده است^{۲۹} بطوریکه در «اسلام آنسکلوپدییسی» مندرج است بهمین مناسبت سلطان سلیم بشاعر یکپارچه ده ششادانک بخشیده است^{۳۰}. از «فرهادنامه» لامعی در کتابخانه های استانبول نسخه های خطی موجود نیست^{۳۱}. لیکن ترجمه آلمانی این مثنوی که بوسیله هامر در سال ۱۸۱۶ در شهر اشتوتگارد چاپ و نشر شده است در دسترس می باشد. وفات لامعی را عاشق چلبی و کاتب چلبی در سال ۹۴۰

۲۸- عثمانلی مؤلف لری. جلد II، صفحه ۴۹۲.

۲۹- لطیفی. تذکره، استانبول، ۱۳۱۴ هجری قمری، صفحه ۲۹۳.

۳۰- «اسلام آنسکلوپدییسی»، جزو ۶۹، استانبول ۱۹۵۵، صفحه ۱۱۲.

۱۵۳۳-۱۵۳۴ / و فاروق تیمورتاش در سال ۹۳۸ / ۱۵۳۱-۱۵۳۲ / قید نموده اند.^{۳۲}

دیگری از شعرای ترك که در پیروی از استاد گنجه آثاری بوجود آورده عارف چلبی میباشد، وی نواده دختری شیخ ابراهیم گلشنی مشهور میباشد که از دانشمندان برجسته ترکیه است. عارف چلبی از معاصرین سلطان سلیمان قانونی است. طبعش روان و استعدادش بی پایان بوده است. گویند او بقدری ذوق سرشار و طبع گهربار داشته که اگر میخواسته در یکروز قادر بسردن یک هزار مصراع شعر بوده است. این ملاحظه مبالغه نیز شده باشد باز هم دلیل بارز بر قوت طبع و توانائی شاعر است.

عارف چلبی در برابر پنج مثنوی حکیم نظامی بسردن پنج مثنوی همت گمارده و بخوبی از عهده این کار برآمده است. شاعر هم چنین بنام «تواریخ آل عثمان» شاهنامه مشتمل بر یکصد هزار بیت برشته نظم در آورده و بساطان سلیمان قانونی اتحاف نموده است.^{۳۳}

دیگر از شعرای وابسته بمکتب ادبی نظامی گنجوی در نیمه دوم قرن XVI ترکیه شانی مؤلف «فرهادنامه» و امامزاده احمد بوسالی / ۱۵۷۰- / مؤلف مثنویهای «شاه و گدا» و «خسرو و شیرین» میباشد. این دو شاعر نیز از جمله گویندگانی هستند که از آثار گرانبهای استاد گنجه متأثر گردیده و ملهم گردیده اند.

مشهورترین شاعر نیمه دوم قرن شانزدهم ترکیه که در پیروی از مکتب ادبی نظامی آثار معتبری بوجود آورده است خلیفه است. این شاعر توانا بسه زبان ترکی و فارسی و عربی شعر گفته و مجموعه بنام «پنج گنج» ترتیب داده است که یکی از مثنویهای این «خمسه» داستان «خسرو و شیرین» است. کاتب چلبی در تذکره خود از مثنوی نامبرده ستایش نموده، و «اسلام آنسکلوپدیی» مشخصات این مثنوی را ذکر نموده است.^{۳۴}

۳۲- فاروق . ک . تیمورتاش . «ترك ادبیاتیندا «خسرو و شیرین» و «فرهاد و شیرین» حکایه سی . . . صفحه ۷۷ .

۳۳- همانجا . صفحه ۷۸ ؛ «اسلام آنسکلوپدیی» . جزو ۳۵ ، استانبول ۱۹۴۷ ، صفحه ۵۶۵ .

۳۴- «اسلام آنسکلوپدیی» . جزو ۲۱ ، استانبول ، ۱۹۴۷ ، صفحه ۵۶۵ .

گیب شرقشناس مشهور سال بنظم کشیدن این مثنوی را سنوات ۱۵۶۲ و ۱۵۶۳ تعیین نموده است.^{۳۵} در تذکره عهدی سال وفات خلیفه سنه ۹۷۹ / ۱۵۷۱-۱۵۷۲ / هجری قمری ثبت گردیده است.

یکی دیگر از شعرای ربع آخر قرن شانزدهم ترکیه که در راه شعر و ادب نابغه گنجه رهنوردی نموده ادریس بیگ محوی است / ۱۵۸۰- / وی از خانواده های مشهور قسطنطنیه است که در دربار سلاطین ترک قدر و منزلتی بسزا داشته و یکی از بزرگان دربار بوده. ادریس بیگ مثنویهای «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» هاتفی را از فارسی به ترکی ترجمه نموده است.

فصیحی احمد دده (۱۷۰۰-) نیز یکی از شعرای اواخر سده XVII میل باشد که مؤلف آثار ادبی منظوم متعدد است. او مثنویهای «خسرو و شیرین»، «مناظره شب و روز»، «محمود و ایاز» و «تباکوناه» را بنظم کشیده، هم چنین مؤلف اثر منثور «گل و مل» میباشد.

از شعرای اواخر قرن XVIII و اوایل قرن XIX یعنی از معاصرین سلطان سلیم سوم مصطفی سالم است که داستانی منظوم بنام «خسرو و شیرین» برشته نظم کشیده است. لیکن متأسفانه تاکنون این منظومه بدست نیامده، لیکن خود شاعر در سال ۱۸۰۱ در مقدمه ترجمه اثر «رند و زاهد» فضولی درباره این منظومه خود مطالبی نوشته تاریخ بنظم کشیدن او را سال ۱۸۰۰ تعیین مینماید.

از نویسندگان معاصر ترک صبری سوسویل داستان «خسرو و شیرین» نظامی را به نثر ترجمه نموده و اثر را در سال ۱۹۵۵ در استانبول چاپ و منتشر نموده است /^{۳۵} / . صبری سوسویل در مقدمه که بر ترجمه خود نوشته سعی کرده که موقع ادبی جهانی و شخصیت تاریخی برجسته نظامی گنجوی را بطور شایسته بیان نموده، نظرات چند تن

۳۵- گیب، II، صفحه ۱۴۸.

۳۵/۹- نظامی، «خسرو و شیرین» چوپره نی صبری سوسویل، استانبول، ۱۹۵۵، اون سوز، صفحه VII.

دیگر از گویندگان، نویسندگان و پژوهندگان پیش از خویش را نیز برای اثبات مدعای خود بازگوئی بنماید .

مترجم همچنین از تأثیر مثبت میراث ادبی استاد گنجه بادیات جهان بخصوص ادبیات خاورمیانه و نزدیک بحث مبسوطی نموده است. درباره تأثیر مستقیم آثار نظامی گنجوی بادیات و شعرای فارس زبان مؤلف چنین مینویسد: «آثار ادبی نظامی گنجوی از دوران حیات خود شاعر تا باهروز بادیات ایران تأثیر بسزائی نموده، حتی شعرائی مانند سعدی، حافظ، جامی و مولوی نیز از خرمن علم و ادب وی بهره‌مند گردیده و بجرأت میتوان اظهار نمود که از برجسته‌ترین پیروان مکتب ادبی استاد گنجه از قبیل امیر خسرو دهلوی، خواجوی کرمانی، عبدالرحمن جامی و غیره نیز با تمام قدرت و بضاعت ادبی خود هرگز بیایه و مرتبه ادبی وی نرسیده‌اند. آثار آنان هرگز تاب و یارای مقابله و همسنگی با «خمس» نظامی را نداشته است»^{۲۶}. مترجم برای اثبات مدعاهای خود بافکار مرحوم وحید دستگردی استناد نموده گفته‌های او را شاهد و مؤید صدق پندارهای خود میداند .

مترجم همچنین درباره تأثیر مکتب ادبی نظامی گنجوی در ادبیات مردم ترک زبان، به خدمت بزرگ و بسیار مهم آثار گرانمای استاد گنجه اشاره نموده، در باره عظمت و وسعت این تأثیر چنین میگوید: «دایره تأثیر مکتب ادبی نظامی گنجوی بشعر و ادب ترک زبانها نیز بسیار وسیع است. این تأثیر از احمد پاشاها گرفته تا ضیاء پاشاها و یحیی کمالها حتی در ایجادیات و آثار شعرای معاصر نیز مشاهده میگردد»^{۲۷}.

صبری سوسویل درباره «خمس» هائیکه بعد از نظامی و در تبعیت از وی بزبان ترکی برشته نظم کشیده شده بخصوص درباره داستان «خسرو و شیرین» چنین اظهار نظر مینماید: «... در تحت تأثیر مکتب ادبی استاد گنجه بسیاری از گویندگان ترک «خمس»

۳۶- نظامی. خسرو و شیرین، ترجمه صبری سوسویل، استانبول ۱۹۵۵، پیشگفتار .

ترتیب داده بخصوص داستان دلنشین «خسرو و شیرین» را برشته نظم کشیده‌اند...»^{۳۸}.
 صبری سوسویل برای اینکه بتواند محتویات و مضمون و مفهوم کامل داستان «خسرو و شیرین» نظامی را بطور دقیق بخوانندگان خود در اختیار ترك زبان‌ها قرار دهد تصمیم به ترجمه منشور این منظومه گرفته‌است. زبان ترجمه ساده و روان است با اینوصف مترجم در دامان هر صفحه توضیحات لازم را داده، درباره آیات و احادیثی که نظامی به آنها اشاره نموده معلومات مختصری درج کرده است.

مترجم اساساً بدقیق بودن ترجمه توجه نموده، اسلوب ادبی و بیان بدیعی جملات را در درجه دوم اهمیت قرار داده است. متنی که برای ترجمه انتخاب نموده نسخه ترتیبی و حید دستگردی بوده است.

*

با این ترتیب‌ها درباره پیروان مکتب ادبی استاد بیهمتای گنجه بخصوص نویسندگان داستان دلپذیر «خسرو و شیرین» وی در ادبیات ترکیه بدان معلومات مختصری اکتفاء نموده اینک به تحلیل و سنجش کمیت و کیفیت و ارزش ادبی نسبتاً مبسوط ترجمه منظوم «خسرو و شیرین» شیخی میپردازیم و قبل از هر چیز از گفتن این حقیقت ناگزیریم که بوسیله همین ترجمه است که شعراء و گویندگان ترك زبان بشاهراه مکتب ادبی نظامی پای گذارده و توده‌های وسیع ترکیه با فکر و آثار و نوآوری‌های استاد گنجه آشنا شده‌اند.

*

بزرگترین فعالیت ادبی شیخی ترجمه داستان «خسرو و شیرین» نظامی است. این ترجمه در تاریخ روابط ادبی و فرهنگی ترکیه با ملل هم‌جوار حائز اهمیت شایان است. از طرف دیگر همین ترجمه امروز هم برای نظامی شناسان ترك يك سند و مأخذ بسیار گرانبها و يك سرآغاز و مبدأ بسیار شایسته و بایسته بشمار میرود.

فاروق تیمورتاش درباره اهمیت و کیفیت ترجمه شیخی کتابی مبسوط مرکب از دو جلد در سال ۱۹۵۰ تألیف کرده و در آنجا از حیات و فعالیت ادبی و خدمات گرانبهای

شیخی و تأثیر مثبت و مفید این ترجمه در ادبیات ترك عالمانه سخن پردازي کرده، ارزش حقیقی و اهمیت واقعی این ترجمه منظوم را بطور سزاوار بیان نموده و نشان داده است.^{۳۹} مثلاً در یکجا فاروق تیمورتاش این ترجمه را چنین ارزیابی مینماید: «ترجمه منظوم «خسرو و شیرین» نظامی که بوسیله شیخی بعمل آمده از سایر ترجمه‌های ترکی که قبل^{۴۰} یا بعد از وی شده است موفق‌تر و باارزش‌تر است و بیشتر پژوهندگان ترك ترجمه‌های شیخی را بهترین ترجمه‌های «خسرو و شیرین» تشخیص میدهند^{۴۱}. او برای اثبات مدعای خود بکاتب چلبی مؤلف «کشف الظنون» استناد نموده و از مبحثی که کاتب چلبی درباره ترجمه‌های مختلف «خسرو و شیرین» سخن میگوید شاهد زیر را می‌آورد: «... واما التریکیه فلمولانا شیخی الکریمانی فی ابتداء فیه بامر السلطان مراد بن سلطان محمد ولم یکمله و کمله اخوه الجمال وهو نظم سلیس مقبول عند الشعراء»^{۴۲}.

ترجمه شیخی از طرف دیگر از آنجهت نیز شایان دقت و توجه است که شیخی با در نظر گرفتن شرایط آن روز کشورش، با در نظر گرفتن احتیاجات مادی و معنوی هم‌میهنان خود، با انطباق با شرایط تاریخی عادت اخلاق و خواست‌های مردم ترك هم‌آهنگی نموده و اثر را مطابق ذوق و سلیقه ملی ترجمه نموده است. ترجمه شیخی مانند ترجمه اسلافش از قبیل قطب خوارزمی و غیره يك ترجمه کاملاً عادی، دقیق و عینی نبوده بلکه يك ترجمه خلاقه و مبتکرانه است. بطور کلی در ترجمه شیخی تغییرات و افزایش و کاهش‌هایی بعمل آمده، پاره‌ای از حوادث و اپیرودها غیر ضروری تشخیص داده شده و حذف گردیده، بعضی مطالب و پارچه‌ها نیز بر حصه‌های ترکیبی اثر افزوده شده است و بی‌آنکه مضمون

۳۹- فاروق تیمورتاش. شیخی و خسرو و شیرین، جلد ۱ و ۲، ترکیات انستیتوتوسو، تزیس شماره ۳۳۸.

۴۰- منظور فاروق تیمورتاش ترجمه قطب خوارزمی است.

۴۱- فاروق تیمورتاش. شیخی «خسرو و شیرین»، جلد ۱، آنکارا، ۱۹۵۸، صفحه ۳۳۶.

۴۲- ملا کاتب چلبی. کشف الظنون، مطبعة العالم، ۱۳۱۰ هجری قمری، باب الخاء،

و سوزه اصلی اثر همانست که استاد گنجه آفریده لیکن خود شیخی نیز دخل و تصرفات معتنا بهی در داستان بعمل آورده و منظومه را آنطور که هست عیناً ترجمه نکرده است بطوریکه فاروق تیمورتاش نیز همین مدعای ما را تصدیق و تأیید نموده میگوید: «شیخی اصل موضوع داستان را از نظامی گرفته، لیکن این يك ترجمه عینی و بسیط نیست. شاعر فکر و ذوق و هنر و سلیقه شخصی خود را نیز در این ترجمه بکار برده است»^{۴۳}.

فاروق تیمورتاش مقدار ابیات ترجمه «خسرو و شیرین» شیخی را ۶۹۴۴ بیت ذکر کرده، «اسلام آنسکلوپدیی» ۶۳۷۰ بیت ثبت نموده و از اینمقدار ۱۹۷۹ بیت آنرا ترجمه دقیق از نظامی و ۴۳۹۱ بیت باقیمانده را نو و اصیل قلمداد کرده است.^{۴۴} فوزیه عبدالرحمن نیز نوشته «اسلام آنسکلوپدیی» را تصدیق مینماید. دانشمند شرقشناس معاصر لهستان آقای پروفسور آنانیاس یاساکوفسکی* در سال ۱۹۶۳ در شهر ورشو فوتو صورت يك نسخه خطی موجود از ترجمه شیخی در پاریس را نشر نموده که در این نسخه تعداد ابیات ترجمه ۷۰۹۸ بیت میباشد. لیکن باید در نظر گرفت که این تعداد ابیات ترجمه همه داستان «خسرو شیرین» نظامی نبوده بلکه فقط تا آخر صحنه عروسی خسرو با شیرین میباشد و شیخی حوادث بعدی را ترجمه نکرده است. در صورتیکه در اصل داستان «خسرو و شیرین» نظامی تا آخر صحنه عروسی خسرو با شیرین فقط ۵۱۹۴ بیت میباشد. از اینجا معلوم میشود که شیخی به ترجمه بمقدار زیادی افزوده و منظومه را سطر بسطر و عیناً ترجمه نکرده است. از طرف دیگر مقدار ۴۳۹۱ بیت را که «اسلام آنسکلوپدیی» نو و اصیل و زائیده فکر بکر شیخی قلمداد مینماید درست نیست. زیرا شیخی بطوریکه بعداً هم ثبوت خواهیم کرد مانند بسیاری دیگر از پیروان نظامی يك اثر نو و اصیل و ارزینال نوشته بلکه در چهارچوبه فکر و اثر نظامی حرکت نموده،

۴۳- فاروق تیمورتاش. ترک ادبیاتیندا «خسرو و شیرین» و «فرهاد و شیرین» حکایه‌سی، آنکارا، ۱۹۵۹. صفحه ۱۹.

۴۴- «اسلام آنسکلوپدیی»، جزو ۳۵، II، جلد، استانبول، ۱۹۴۷، صفحه ۵۶۵.

منتها بعضاً نیز ذوق و سلیقه شخصی و ملی خود را بکار برده و تغییراتی در اصل داستان بعمل آورده است و الا شیخی هرگز مستقل حرکت نکرده و در ترجمه وی مطالب اساسی همان مطالبی است که از فکر بکر استاد گنجبه زائیده شده است منتها شیخی بقول پژوهنده دانشمند ترك فاروق تیمورتاش بر حسب ذوق و سلیقه و دلخواه خود چیزهای برداستان افزوده یا از آن کاسته است .

شیخی هم قبل از آنکه باصل موضوع داستان بپردازد مانند اسلاف خود بجمد و لغت و مناجات و غیره پرداخته، سبب بنظم کشیدن کتاب را شرح داده، در مدح معاصرش سلطاً نمراد دوم و نصیحت و موعظه بوی سخن گفته و برای مقدمه کتاب ۱۳ موضوع (سرلوحه) مشتمل ۷۷۵ بیت اختصاص داده است .

ترجمه اصل داستان را شیخی در یازده فصل گنجبانه و در آغاز هر فصل ۱۰-۱۵ بیت بزیب سخن یا پیشگفتار حصر نموده سپس داخل در اصل مطلب گردیده است . در صورتیکه در ارزشینال نظامی در آغاز هر سرلوله فقط دو بیت آورده است .

از ابتکارات و نوآوری شیخی یکی این است که در سرتاسر داستان از زبان خسرو و شیرین و فرهاد ۲۸ غزل (مجموعاً ۱۸۶ بیت)، پنج قصیده (مجموعاً ۱۱۷ بیت) و یک ترجیع بند هفت بندی (۶۹ بیت) بنظم کشیده و در اثر یکنواخت مثنوی داستان را با ترکیب غزل و قصیده و ترجیع بند رنگارنگ و دلنشین تر نموده است .

بقیه دارد